

[اطلاعات شخصی افراد حذف شده است]

[برای وضوح بیشتر فقط مطالب و اخبار مربوط به افراد و جامعه بهائی تایپ شده است]

[برگرفته از سایت: [بی بی سی](#)]

[تاریخ: ۳ خرداد ۱۳۹۳]

استفاده از باورهای دینی برای تقویت حقوق بشر

نازیلا قانع

استاد در دانشگاه آکسفورد

لاری کاکس، فعال کهنه کار حقوق بشر چند هفته پیش گفت که دین، حرکت حقوق بشری امیدبخشی برای بازسازی، مشروعیت و تاثیر بیشتر انجام می‌دهد. چنین سخنی سوالات مهمی را ایجاد می‌کند. چه دینی؟ دین چه کسی؟ کدام حقوق بشر و در کدام قسمت از جهان؟

مختاری، علی و فیتزگیوندر در «این گلوبال رایتز» این بحث را پیش می‌کشند که اسلام و حقوق بشر تعهد مشترکی در قبال همدردی، عدالت اجتماعی و مبارزه علیه سرکوب و تبعیض دارند.

اما در حالیکه دین، حقوق بشر را نقض می‌کند، آیا می‌توانیم زمینه مشترکی را پیدا کنیم؟

تاکید من در اینجا این است که درگیر شدن بیشتر ادیان با مسئله حقوق بشر، نیازمند نوعی «بومی‌سازی و ریشه‌دار کردن» حقوق بشر است نه کاربست تو خالی معیارهای جهانی. توسل به رواداری و برابری، زمانی که مبتنی بر سنت‌های فرهنگی و فکری مردم باشد، به بهترین وجهی پیوند برقرار می‌کند. این موضوع بیشترین ضرورت را در موارد ایداء دیرینه اجتماعات دینی خاص از جانب دولت‌ها یا گروه‌های اجتماعی دارد.

ایداء بهائیان در ایران، یکی از این موارد است. بهائیان با پیروانی بیشتر از ۳۰۰ هزار نفر، بزرگترین اقلیت دینی غیرمسلمان در ایران هستند.

قانون در ایران از بهائیان حمایت نمی‌کند و به عنوان اقلیت دینی به رسمیت شناخته نمی‌شوند. قانون اساسی ایران، برخلاف یهودیان، زرتشتی‌ها و مسیحیان، باورهای آنها را به رسمیت نشناخته است.

برای سال‌های طولانی مورد آزار و اذیت قرار گرفتند، اعدام شدند، و از تحصیل و زندگی محروم شدند، تحت ارباب قرار گرفتند و در رسانه‌ها از آنها اهریمن ساختند.

بعد از انقلاب ۱۹۷۹، صدها نفر از آنها کشته شدند. هم اکنون نیز بیش از ۱۳۰ بهائی با اتهامات ثابت نشده در زندان به سر می‌برند. هفت نفر از مدیران پیشین آنها حکم ۲۰ سال زندان را سپری می‌کنند. یک تاریخ ۳۵ ساله نارواداری در الگوی نقض حقوق بهائیان به طور مستمر توسط دولت نهادینه و نظامند شده است. اذیت و آزار بهائیان اکنون نمادی از سرکوب دولتی است، نمادی از هدفگیری فعالان، روزنامه‌نگاران، اقلیت‌ها و روشنفکران است.

در نگاه اول، مسئله بهائیان ایران به نظر این تصور را تقویت می‌کند که در بهترین حالت دین باید در حاشیه مباحثات حقوقی قرار گیرد. اما عملگرها برخلاف این نظر معتقدند. چون رهبران سیاسی و دینی در ایران تلاش کرده‌اند ۱۷۰ سال بنای ضدیت با بهائیان را بر بنیادهای دین بگذارند، از اینرو توسل به معیارهای جهانی حقوق بشری به تنهایی برای تحقق همزیستی احترام‌آمیز کافی نیست.

در حالیکه معیارهای جهانی شایسته هستند اما پژواک کاملی ندارند. در ایران، و بسیاری از کشورهای دیگر، بهترین راه دستیابی به حقوق بشر نشان دهنده این است که خواست حقوق بشر از طریق ارزش‌های حاکم و متون مقدس دینی میسر است.

به نظر می‌رسد اظهارات اخیر یک روحانی شیعه که از همزیستی با بهائیان حمایت می‌کند، امید بیشتری را دمیده است.

آیت‌الله عبدالحمید معصومی تهرانی، بر گفته‌های آیت‌الله منتظری در سال ۲۰۰۸ و آیت‌الله صدر در سال ۲۰۱۰ درباره احترام به حقوق شهروندی بهائیان، باب تازه‌ای افزوده است.

آیت‌الله معصومی تهرانی در بیانیه‌ای به تاریخ ۷ آوریل ۲۰۱۴ بیان کرد که تاریخ ایران دارای دوره‌هایی بوده است که «فرقه‌های مذهبی و ادیان مختلف در مسلک‌ها و آیین‌های گوناگون در معاشرت‌های اجتماعی و همزیستی مسالمت‌آمیز» از تعامل اجتماعی و همزیستی روادار برخوردار بودند. این روحانی شیعی از کمرنگ شدن آن سنت، با توجه به تضعیف گسترده «حقوق بشر»، حق حیات و منزلت انسان‌ها اظهار ناراحتی کرده است. او واقعیت اجتماعی جاری ایران را به عنوان «آپارتاید دینی» توصیف کرده است.

معصومی تهرانی به عنوان هدیه به بهائیان، یک تابلوی خوشنویسی با نماد باور بهائیان، «اسم اعظم»، نمود رابطه مفهومی بین خدا، پیامبرانش و جهان خلقت- و شعری از نوشته‌های مقدس بها تهیه کرد. این واقعیت که او نماد و متونی از جامعه دینی مورد اذیت و آزار دیده را انتخاب کرده، بلندنظری او را برجسته می‌کند.

نیت این حرکت به بهترین وجهی در کلمات خود آیت‌الله نمایان است: «من این نماد ارزشمند را- نمودی از همدردی و دغدغه خود و از طرف شهروندان روشن ضمیری که به خاطر انسانیت به انسان‌ها احترام می‌گذارند نه به خاطر دین یا شیوه پرستش‌شان- تقدیم می‌کنم به بهائیان سراسر دنیا و به ویژه بهائیان ایران که به طرق متعدد در نتیجه‌ی تعصب کور دینی رنج دیده‌اند.»

چنین حرکت‌های معنادار دینی توسط آیت‌الله منتظری، صدر و معصومی تهرانی در خدمت تلاش‌های حقوق بشری است و امید به باز شدن راهی تازه و تاثیر بیشتر می‌دهند.

ندا کرمانی، جامعه‌شناس پاکستانی، در «این گلوبال رایتس» معتقد است که باید بین نگرش سکولار و نگرش دینی به حقوق بشر یکی را انتخاب کنیم. پارسا روزنامه‌نگار هندی نیز می‌گوید که پیام‌های برابری و رواداری زمانیکه از طریق منشور سنت‌های فرهنگی و فکری کشوری عرضه می‌شوند، ارتباط برقرار می‌کنند.

این سه آیت‌الله شیعی ایرانی نمونه‌هایی هستند که فهم دینی از حقوق بشر را گسترش می‌دهند تا مومنان دینی نسبت به نقض حقوق بشر واکنش نشان دهند. این چیز است که خاخام آشمن در «این گلوبال رایتز» درباره سازمان خودش در اسرائیل، به نام «خاخام‌ها برای استقرار حقوق بشر» حرف زد.

یقیناً مقابله با نقض گسترده حقوق بشر در ایران-بهائیان و دیگران- بیشتر از چند حرکت توسط معدودی از رهبران دینی تک رو نیاز دارد. هر چند، نقش مهمی را بازی می‌کنند تا گرایش دیرینه در ایران به مشروعیت بخشیدن حملات دینی تحریک‌آمیز نسبت به حقوق بشر را بی‌اعتبار کنند.

این حرکت‌ها سنت تازه‌ای را می‌پروراند، سنت همزیستی با دیگری، تا در نبرد با سنت مسلط مصونیت از مجازات وارد شود. همچنین تایید کننده لزوم پیش درآمدی برای بهبود وضع حقوق بشر در کشورهای عمیقاً دینی اما بسیار قطب‌بندی شده، مثل ایران هستند.

[متن بالا رونویسی از اصل سند است. اگر به نکته‌ای برخورد کردید که دقیق رونویسی نشده است لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید]